

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ‌ها و چالش‌ها^۱

احمد غیاث‌وند^۲



10.22034/SSYS.2022.2292.2648

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۱

امروزه تحلیل وضعیت ازدواج و گرایش جوانان به آن، بیش از همه نمایانگر یک نیاز مبرم به ارائه یک چهارچوب تحلیلی در قالب «انگاره ازدواج» می‌باشد تا در عین توصیف و تبیین نگرش جوانان نسبت به ازدواج بتوان به صورت‌بندی سنخ‌های ازدواج و چالش‌های آن پرداخت. با عنایت به هدف اصلی پژوهش از دو روش تحقیق «پیمایش» و «تحلیل روند» استفاده گردید.

نتایج حاصل نشان داد که ۲۲ درصد از جوانان نگرش مثبت و در مقابل ۲۶ درصد نگرش منفی نسبت به ازدواج دارند. بر اساس تحلیل چند متغیره داده‌ها، رابطه ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با بتای ۰/۳۶، معنای ازدواج برابر با بتای ۰/۲۵، هنجار ازدواج برابر با بتای ۰/۲۹ و فرصت ازدواج برابر با بتای ۰/۱۴ می‌باشد. با مروری کلی و تحلیل یافته‌های مطالعات کمی و کیفی مختلف، می‌توان چنین استنباط نمود که انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی در مواجهه با دو الگوی «کنش انتخابی ازدواج» و «ساخت نهادی ازدواج» تعیین می‌گردد. به طور دقیق‌تر، چنین انگاره‌ای در قالب غلبه کنش انتخابی بر وجه نهادی خانواده با چهار سنخ الگوی ازدواج و تشکیل خانواده (فردگرایانه، رابطه‌ای، دینی و اقتضایی) قابل شناسایی و تحلیل است که به نوبه خود زمان‌بندی ازدواج، معیارهای همسرگزینی، ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج و نیز معنا و موانع ازدواج متفاوت فهم می‌شود.

واژگان کلیدی: انگاره ازدواج، گرایش به ازدواج، سنخ‌های ازدواج، ارزش و هنجار ازدواج و معنای ازدواج.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش جوانان نسبت به ازدواج و فرزندآوری و روند آن در ۵ سال اخیر در ایران» می‌باشد که با حمایت مالی «وزارت ورزش و جوانان» انجام شده است.

^۲ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

E-mail: Ah.ghyasvand@gmail.com

مقدمه

در جامعه مسلمان ایران، ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است که نقش مهمی در رشد جسمی و تعالی روحی و معنوی انسان‌ها دارد. با توجه به اهمیت این نهاد اجتماعی در بهروزی دنیوی و آخروی انسان‌ها، اسلام به عنوان آیینی تعالی‌بخش توجه بسیار زیادی به آن مبذول داشته است. علاوه بر تأکید بر اهمیت خانواده از منظر دینی، علمای علوم اجتماعی نیز در تحلیل نهاد خانواده جایگاه ویژه‌ای در کنار سایر نهادهای اجتماعی قائل‌اند. «امر ازدواج هم از نظر فردی، هم از دیدگاه زیستی و هم از دیدگاه اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هیچ نهادی مانند آن جهانی و پایدار نیست. از این رو، هیچ نهادی مانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱).

خانواده از آن جایی که نهادی اجتماعی است، متناسب با تغییرات اجتماعی دچار تحول می‌شود. تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه، مناسبات درونی خانواده را دستخوش تحولات ساختاری کرده است. فرآیند نوسازی در جامعه ایران با رشد شهرنشینی، صنعتی‌شدن، رشد طبقه متوسط، افزایش جمعیت جوان و تحرک اجتماعی مناسبات جدیدی را در ساخت و کارکرد روابط خانواده ایجاد کرده است. ساختار و کارکردهای خانواده و مناسبات زناشویی همپای تغییرات فرهنگی تغییر کرده و ابعاد و کارکردهای خانواده سنتی گسترده دگرگون شده است. بنابراین امروزه دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و به دنبال آن تحولات فرهنگی جامعه ایرانی، موجبات تغییرات اساسی را در نوع نگاه افراد به خانواده و انتظارات آنها از ازدواج و زندگی زناشویی پدید آورده است؛ چنان که ویلیام گود بیان می‌کند: تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به عقیده او پارامترهای ازدواج در جوامع

بر مبنای مرور اجمالی مطالعات حوزه زنان و خانواده، برخی از تغییرات و مسائل خانواده را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: هسته‌ای شدن خانواده و کاهش تعداد افراد تحت تکفل، تغییر در بعد خانوار، کاهش نرخ باروری، کاهش میزان مولید، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله، ناپایداری نسبی ازدواج به ویژه در سال‌های اولیه زندگی، افزایش میزان تجرد جوانان، رخداد مضیقۀ ازدواج یا کاهش تعداد پسران آماده ازدواج نسبت به تعداد دختران آماده ازدواج، افزایش طلاق، افزایش خانواده‌های تک والدی، افزایش فرزندآوری خارج از حریم خانواده و موارد تعدد زوجات (مهاجرانی، ۱۳۷۵؛ خضری، ۱۳۸۰؛ مشکانی، ۱۳۸۱؛ افتخار، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ محبوبی‌منش، ۱۳۸۳؛ لیاقت، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۸۷ به نقل از قانع‌راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۴). در این میان، مرور مطالعات تجربی مختلف در حوزه وضعیت خانواده در طول حداقل چهار

دهه گذشته، دلالت بر سه واقعه بارز دارند: «افزایش سن ازدواج»، «افزایش طلاق» و «کاهش نرخ باروری». به طور دقیق تر از جمله تغییرات مهم در حوزه ازدواج را می توان میزان آمادگی و نحوه تصمیم گیری برای ازدواج، معیارهای همسرگزینی، ارزش و هنجارهای ازدوج، و معنا و موانع ازدواج در بین جوانان دانست. یافته های پژوهش دیگری، بیانگر آن است که «بیش از یک سوم دختران در شهر تهران (۳۷ درصد) تمایل بسیاری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند (غیاثوند، ۱۳۹۶). همچنین در برخی از مطالعات، یافته ها نشان می دهد که ۶۶/۷ درصد پاسخگویان ازدواج کردن را در زندگی ضروری می دانند، در حالی که به باور ۱۴/۱ درصد افراد ازدواج کردن امری ضروری نیست. ۵۳/۴ درصد جوانان اظهار داشته اند که نظر پدر و مادرشان در انتخاب همسر اهمیت دارد و در مقابل ۳۸ درصد نیز بیان کرده اند که صرفا نظر خودشان در مورد انتخاب همسر اهمیت دارد (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴). با مرور تحقیقات مختلف در ایران، یافته ها نشان دهنده کنشگری در تصمیم به ازدواج است که به بیان اریک آیزن، فیش باین و جیمز مارچ به زنجیره ای از عوامل (تصمیمات عقلانی و هنجارها) بستگی دارد (مارچ، ۱۳۹۶؛ آیزن، ۱۹۸۸). «شیوه همسرگزینی، تلفیقی از انتخاب فرزندان و والدین است. آنها اگر به طور مستقل به انتخاب همسر اقدام کنند با حمایت دیگری روبه رو می شوند. فرزندان ممکن است که به طور مستقل از والدین به انتخاب همسر اقدام کنند، ولی برای نهایی کردن ازدواج از والدین و اعضای خانواده کمک و همیاری می طلبند. بدین لحاظ است که همسرگزینی در ایران امری خانوادگی است تا فردی و شخصی». (آزادرمکی، ۱۳۸۹)

با این توصیف، به نظر می رسد تحلیل وضعیت ازدواج و گرایش جوانان به آن، بیش از همه نمایانگر یک نیاز مبرم به ارائه یک چهارچوب نظری و تحلیلی جدیدی در قالب «انگاره ازدواج» باشد. در واقع می توان گفت انگاره (پارادایم) الگوی اندیشیدن درباره جهان پیرامونی می باشد؛ به زبان ساده، یک پارادایم مجموعه ای از پیش فرض هاست که چگونگی درک جهان را توضیح می دهد و شامل جهان بینی و روشی برای ساده سازی شناخت (تجزیه) پیچیدگی های دنیای واقعی است (ایمان، ۱۳۹۵). ویلویی، هال و لوژاک از اصطلاح «پارادایم» استفاده می کنند تا نشان دهند که «هر فرد یک پارادایم متمایز ازدواج یا یک مجموعه کلی از باورها را دارد که جهت گیری شخصی فرد درباره ازدواج را مشخص می نماید». بنابراین در این مطالعه انگاره ازدواج دربرگیرنده گشتالتی (نظامی) از باورهای فردی، جنسیتی، خانوادگی و جمعی مبتنی بر تجربه جوانان است که زمینه، انگیزه، اقدام و نگرش آنها پیرامون نهاد ازدواج را فراهم می سازد که به نوبه خود از منظر جامعه شناختی به ساخت اجتماعی واقعیت ازدواج می انجامد. بنابراین توصیف، تبیین و تحلیل روند انگاره ازدواج در بین جوانان در جامعه ایران از یک سو می تواند تبیین گر گرایش آنها به ازدواج و از سوی دیگر بیانگر موقعیت ها و فرایندهایی باشد که موجب می گردد تا بتوان از میان روندها و مولفه های

اساسی آن به سنخ‌ها و تحولات ازدواج در جامعه ایران نزدیک شد و ساخت تحلیل منسجمی را فراهم نمود. بر این اساس سوالات اساسی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- جوانان ایرانی چه انگاره‌ای نسبت با ازدواج دارند؟
- ۲- در قالب انگاره ازدواج چگونه می‌توان به توصیف و تبیین نگرش جوانان نسبت به ازدواج پرداخت؟
- ۳- تحلیل روند انگاره ازدواج در بین جوانان چه صورت‌بندی از سنخ‌های ازدواج و چالش‌های آنها را پیش روی ما قرار می‌دهد؟

ادبیات پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته پیرامون ازدواج جوانان را می‌توان در قالب دو دسته از پژوهش‌ها تشخیص داد:

۱. مطالعات بین‌المللی و ملی در حوزه جوانان که ابعاد مختلف ارزش‌ها و نگرش‌های آنها را مورد پیمایش قرار داده‌اند. در این دسته از پژوهش‌ها ممکن است به طور خاص جوانان جمعیت آماری نمونه پژوهش باشند و در برخی از پژوهش‌ها، جوانان در کنار سایر گروه‌های سنی مورد مطالعه قرار گرفته باشند. پژوهش‌های کمی و کیفی که به طور خاص در زمینه ازدواج جوانان مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲. درباره دسته نخست، سابقه چنین مطالعاتی در سراسر دنیا در قالب پیمایش ارزش‌های جهانی، مطالعه ارزش‌های اروپائیان، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های بریتانیا و پیمایش ارزش‌های شرق آسیا می‌باشد.

همچنین رونالد اینگلهارت در قالب چارچوب نظری با عنوان «دگرگونی ارزش‌های مادی/فرامادی» از سال ۱۹۷۰ - ۱۹۸۳ و بعد ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ و تاکنون به‌طور پانل سعی نموده به مقایسه داده‌های به‌دست آمده از کشورهای اروپایی و آسیایی بپردازد. در ایران اولین مطالعه تجربی مربوط به نظرسنجی پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران در سال ۱۳۵۳ بوده است. بتدریج از سال ۱۳۷۵ به بعد شاهد انجام پیمایش‌های مختلف ملی، منطقه و استانی و... می‌باشیم (وزارت ارشاد، ۱۳۷۹، ۸۰ و ۹۴؛ محسنی، ۱۳۷۴؛ آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳؛ گودرزی، ۱۳۹۶؛ غیاثوند، ۱۳۹۶؛ وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۸۳، ۱۳۹۹؛ فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۷؛ غیاثوند، ۱۳۹۹؛ ایسپا ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹).

در دسته دوم نیز مطالعات کمی و کیفی مختلفی به تبیین علی و کارکردی وضعیت ازدواج جوانان، معیارهای همسرگزینی، مجرد زیستی جوانان، تجربه و معنای ازدواج در بین جوانان، روابط جنسی و تجربه همبالی، ارزش ازدواج و.. پرداخته‌اند. در این باره برخی از پژوهش‌های کیفی درباره مطالعه مجرد دختران به پدیده‌های محوری از قبیل «حضور پررنگ داغ ننگ» (سنگینی نگاه دیگران، ترحم‌های بی مورد، پرسش‌ها

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

و کنجکاو‌های مزمن، سرکوفت‌های خانواده، احساس سریاربودن، نسبت دادن عیب و ایرادات ناروا و القای ناشایستی، نیشخندهای زهرآلود، و طعنه‌های بی رحمانه (قانع عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ «در معرض طرد اجتماعی» (نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم ساین، گسترش شایعات، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، انتظار، رنج، بیماری جسمی، افسردگی و نگرانی درباره آینده)؛ (فرضی زاده، ۱۳۹۲)؛ «احساسات دوگانه نسبت به مجرد» (داشتن استقلال و آزادی و از سوی دیگر احساس تنهایی کردن) (حسنی و ایزدی، ۱۳۹۴)؛ «پیامدهای منفی مجرد» (احساس تنهایی و انزوا، احساس بی‌انگیزگی، بی‌هدفی و پوچی در زندگی) (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰)؛ دلایل مجرد ماندن مختلف (کمال‌گرایی، سخت‌گیری بیش از حد والدین و پیدا نکردن زوج مناسب) (کجباف و همکاران، ۱۳۸۷)؛ «تجربه مجرد» (تجربه مجرد برای دختران، خشونت روانی، انزوای مضاعف، آینده مبهم و احساس سرباری و ایزد‌های حقارت در پی داشته (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶) اشاره کرده‌اند که طبعاً دختران تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی القاکننده ازدواج قرار دارد و عمدتاً تجربه‌های ناخوشایند و نیز پیامدهای منفی را برای این دسته از دختران رقم می‌زند. دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیش‌تری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰).

«به لحاظ آماری در بحث از جمعیت هرگز ازدواج نکرده، یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ جمعیت افراد در سن ازدواج برابر با ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر و در سال جاری بیش از ۱۳ میلیون نفر برآورد می‌گردد» (مرکز آمار، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد میزان تمایل به ازدواج و نیز معنای ازدواج در بین افراد مجرد به الگوی ازدواج‌های دیر هنگام دامن بزند. یافته‌های پژوهشی با عنوان «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان» در بین دختران ۱۵ سال به بالای شهر تهران، نشان داد که ۱۶ درصد دختران اصلاً تمایلی به ازدواج ندارند و نیز ۱۵ درصد در سطح کم بدان اذعان کرده‌اند. البته بیش از یک سوم دختران در شهر تهران (۳۷ درصد جمع زیاد و خیلی زیاد) تمایل بسیاری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. همچنین حدود ۲۴ درصد ازدواج نمودن برایشان چندان مهم نیست. ۱۵ درصد هیچ الزام یا فشاری را از سوی خانواده احساس نمی‌کنند. حدود ۲۰ درصد از دختران مورد مطالعه بیان کرده‌اند که امکان و فرصت ازدواج برای آنها مسیر نیست. در واقع می‌توان چنین قضاوت نمود که حدود یک چهارم دختران در شهر تهران، نگرش مثبتی نسبت به ازدواج ندارند و حتی بالغ بر یک سوم آنها بر مستقل زندگی کردن و متأهل نشدن (۳۳ درصد) اذعان داشته‌اند (غیاثوند، ۱۳۹۶). در مجموع نتایج مطالعات مختلف می‌تواند بیانگر تغییر در افزایش سن ازدواج، تغییر در همسرگزینی، کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده، شکل‌گیری روابط خارج از الگوی زندگی خانوادگی و تمایل به تنها زیستی باشد.

مرور نظری پژوهش

ویلوگی^۱، هال^۲ و لوژاک^۳ در کوششی برای ارائه یک چارچوب مفهومی در قالب «باورهای زناشویی»، از اصطلاح «پارادایم» به منظور «توصیف تمامیت سامانه باورهای یک فرد درباره ازدواج» استفاده نموده‌اند. گرچه اصطلاح پارادایم ابتدا توسط کوهن به کار گرفته شد و او نیز دقیقاً مفهوم پارادایم را روشن نکرده- به عقیده مارگارت مسترمن^۴ (۱۹۷۰) حدود ۲۱ تعبیر پارادایم را به کار برده است (Echberg & Hill, 1979: 226؛ به نقل از بیکر: ۵۹)- ولی می‌توان گفت پارادایم یا انگاره^۵ الگوی اندیشیدن درباره جهان پیرامونی می‌باشد. به زبان ساده، یک پارادایم بیانگر آن است که چه موضعی در قبال واقعیت اجتماعی داشته باشیم که به نوبه خود به چگونگی درک جهان را توضیح می‌دهد و شامل جهان‌بینی و روشی برای ساده‌سازی شناخت (تجزیه) پیچیدگی‌های دنیای واقعی است (ایمان، ۱۳۹۵). ویلوگی، هال و لوژاک از اصطلاح «پارادایم» استفاده می‌کنند تا نشان دهند که «هر فرد یک پارادایم متمایز ازدواج، یا یک مجموعه کلی از باورها را دارد که جهت‌گیری شخصی فرد درباره ازدواج را مشخص می‌نماید». به همین دلیل برای نامیدن چهارچوب نظری خود از اصطلاح «پارادایم‌های زناشویی» استفاده نموده‌اند. بنابراین در حد خطوط کلی، «پارادایم زناشویی دربرگیرنده باورهای تجمعی فرد درباره نهاد ازدواج و همچنین باورهای انتزاعی فرد درباره روابط زناشویی می‌باشد» (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۵).

کارول در بحث از نظریه «افق زناشویی» به چشم انداز یا رویکرد فرد نسبت به وضعیت کنونی فرد نسبت به ازدواج اشاره دارد که به نوبه خود سه مولفه جداگانه را که دربرگیرنده برنامه زندگی زناشویی فرد است را شامل می‌شود: ۱) اهمیت ازدواج در برنامه‌های زندگی فعلی، ۲) زمان مطلوب ازدواج و ۳) نوع آمادگی لازم قبل از آمادگی برای ازدواج. در دوره رشد بزرگسالی در حال ظهور واقع شده است (آرنت ، ۲۰۰۰)، ایده اصلی این نظریه این است که افق زناشویی فرد یک عامل اصلی در تعیین طول بزرگسالی نوظهور و رفتارهای خاص (به ویژه رفتارهای ناسالم) است که در بزرگسالی ظهور می‌کند (کارول و همکاران ، ۲۰۰۷). اهمیت ازدواج طبق نظریه افق زناشویی، اهمیت نسبی ازدواج در ارتباط با سایر اهداف بر رفتارهای فعلی بزرگسالان در حال ظهور تأثیر می‌گذارد. هرچه ازدواج هدفمند محوری تر باشد، احتمال انطباق فرد با هنجارهای متعارف جامعه بیشتر خواهد بود و بنابراین احتمال انجام رفتارهای مختلف خطرپذیری کمتر است. زمان زناشویی مورد نظر طبق تئوری افق زناشویی، هرچه فرد از سن ایده‌آل خود

¹ Willoughby

² Hall

³ Luczak

⁴ Masterman

⁵ Paradigm

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

برای ازدواج دورتر باشد، احتمال انجام رفتارهای مخاطره آمیز بیشتر است. هرچه فرد به سن ایده آل خود برای ازدواج نزدیک می شود، با شروع هماهنگی بیشتر شخص با انتظارات اجتماعی ازدواج، رفتار کم-خطرتری را تجربه خواهد کرد.

نظریه افق زناشویی معتقد است که اعتقاد بزرگسالان در حال ظهور در مورد معیارهایی که برای ازدواج لازم است، بر زمان مطلوب ازدواج و احتمالاً اهمیت نسبی ازدواج برای آن فرد تأثیر زیادی خواهد گذاشت. مفاهیم موجود در ورای افق های ازدواج بر «پیش بینی» و «برنامه ریزی» برای ازدواج تمرکز (Carroll et al, 2007). و نقش مورد انتظار نوبزرگسالان از ازدواج در زندگی را برجسته می کند. تئوری افق ازدواج، اساس مطالعات بسیاری در سال های اخیر شده است که این موضوع نشان دهنده اهمیت عقاید مربوط به ازدواج بر شد و توسعه افراد بالغ می باشد. به عنوان مثال، نظریه افق ازدواج بالغین با تمایز یافتگی بیشتر و یا افرادی که اهمیت کمی به ازدواج می دهند و اولویت های زمانی دیگری دارند، مشارکت در رفتارهای ریسک پذیرتر (Carroll et al, 2007) و فعالیت جنسی بیشتری از خود نشان می دهد (Willoughby & Carroll, 2009). اعتقادات زناشویی نیز به طور مستقیم بر توسعه روابط میان بالغین اثر می گذارد. یک مطالعه نشان داده است که نگرش مثبت نسبت به ازدواج بیشتر با افزایش تعهد در روابط عاشقانه همراه است (Willoughby, 2014). در حالی که مطالعات دیگری نشان دهنده سن مطلوب ازدواج به سلامت روان و چگونگی ارتباط سن واقعی ازدواج نوبزرگسالان و همسان سازی در آنها بستگی دارد (Carroll, 2012).

جیسون کارول^۱ در مطالعه شان با عنوان «تأخیر در ازدواج: روندها و پیامدهای آن» از ایده نظری «پارادوکس آماده شدن جوانان برای ازدواج» سخن به میان می آورد. این تعبیر از آماده شدن به معنای آن است که جوانان امروز برای ازدواج راه هایی در پیش می گیرند تا شانس بیشتری برای موفقیت در ازدواج داشته باشند؛ اما در مقابل، چنین اقداماتی در عمل شانس فرد را برای ازدواج کاهش می دهد.

نکته مهم اینجاست که این رفتارها به عنوان دوری گزینی از ازدواج یا کنار گذاشتن ازدواج انجام نمی شود، بلکه اقداماتی است که توسط این نسل در حال پذیرش مورد پذیرش قرار می گیرند و به نوبه خود به تأخیر در ازدواج دامن می زند مانند چرخاندن درب شیشه در جهت معکوس. در واقع، ممکن است شما باور داشته باشید که می خواهید درب آن را سست کنید تا آنچه را می خواهید به دست آورید، اما شما در واقع آن را اشتباه می چرخانید و درب را محکم تر می کنید.

اولین پارادوکس آماده شدن «داشتن تجربه زندگی مشترک» می باشد: در این باره بسیاری از جوانان معتقدند برای کاهش خطر و احتمال طلاق بهتر است مدتی زندگی مشترک را با دیگران تجربه کنند. هیچ

¹ Jason S. Carroll

مطالعه‌ای تا به امروز هیچ گونه زندگی مشترکی را برای داشتن یک عامل محافظت در برابر طلاق نشان نداده است، حتی زندگی مشترک قبل از ازدواج از لحاظ تاریخی با شانس بیشتری برای طلاق همراه بوده است. دومین پارادوکس کاشت جو وحشی است که بسیاری از جوانان و والدین آنها دوره جوانی زندگی بزرگسالان را به عنوان زمانی برای تجربیات جنسی مختلف مد نظر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه یک زوج در انتظار برقراری رابطه جنسی باشند، رابطه آنها بعد از ازدواج بهتر می‌شود (Carroll et al, 2006). مطالعه دوم، توسط شارون ساسلر و همکارانش در دانشگاه کرنل، (Sassler et al, 2012) نشان داد که تأخیر در درگیری جنسی با کیفیت روابط بالاتر در ابعاد مختلف مرتبط است. آنها دریافتند که ارتباط منفی بین زمان جنسی و کیفیت رابطه تا حد زیادی ناشی از پیوند بین رابطه جنسی زودهنگام و زندگی مشترک است. این یافته فرضیه نوروال گلن را تأیید می‌کند که درگیری جنسی ممکن است منجر به درگیری عاطفی ناسالم شود که پایان دادن به یک رابطه بد را دشوار می‌کند. همانطور که ساسلر و همکارانش نتیجه گرفتند برای توسعه روابط عاشقانه به روشی سالم زمان کافی لازم است. در مقابل، روابطی که خیلی سریع حرکت می‌کنند، بدون بحث و گفتگو کافی در مورد اهداف و خواسته‌های طولانی مدت هر یک از شرکا، ممکن است به اندازه کافی متعهد نباشند و در نتیجه منجر به پریشانی رابطه شوند. این تحقیقات نشان می‌دهد که الگوی محدودیت جنسی - جایی که تعهد پیش از رابطه جنسی باشد - بهترین الگوی را برای کاهش خطر انحلال روابط ایجاد می‌کند. سومین پارادوکس «ازدواج در سن بالا بهتر» می‌باشد. امروز بسیاری از جوانان، در اقدامی مبادله‌آمیز، با سبک و سنگین کردن زیان و سود حاصل به ازدواج نگاه می‌کنند. بنابراین به این که ازدواج برای آنها چه آورده‌ای دارد و با ازدواج چه چیزی را از دست می‌دهند، توجه دارند. بر این اساس بخشی از سال‌های بزرگسالی را به عنوان زمانی برای تمرکز و توجه به خود می‌نگرند و اوضاع را قبل از ازدواج بهتر تصور می‌کنند (Carroll et al, 2006).

بر این اساس برای تهیه چارچوب مفهومی تحقیق در قالب فهم انگاره ازدواج در بین جوانان متأثر از نظریه «پارادایم‌های زناشویی»، «افق زناشویی» و «پارادوکس آماده شدن جوانان برای ازدواج» و نیز «نظام کنش» می‌توان بیان داشت که ارزیابی فردی و هنجارهای اجتماعی موجب شکل‌دهی به رفتار فرد و نیز با تاسی از نظریه آیزن و همکران موجب تغییر در قصد رفتار و نیز آمادگی برای عمل می‌گردد. به تعبیر دیگر چلبی بیان می‌دارد: «هر رفتار کنشگر اعم از فردی و جمعی، در هر سطح و هر حوزه‌ای، به کم و کیف و آرایش فرصت، نیاز، انتظار و معنا وابسته است. در نخستین تقرب به واقع، ممکن است رابطه رفتار را با چهار سازه مزبور به شکل یک تابع کلی، به صورت ساده شده زیر تدوین کرد» (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

(معنا، انتظار، نیاز، فرصت) $f = \text{رفتار}$

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

بر این اساس مطابق فرمول فوق، رفتار نهادی و به تعبیری دقیق‌تر در این مطالعه، نگرش افراد درباره ازدواج تحت تاثیر نیازها، انتظارات، فرصت‌ها و معنای آنها می‌باشد. بر این اساس در بحث از انگاره ازدواج در بین جوانان، می‌توان در سطحی انضمامی‌تر به نظامی از هنجارها، ارزش‌ها، معانی و محدودیت‌های ازدواج در قالب مولفه‌های فردی، جنسیتی، خانوادگی و جمعی مختلف اشاره داشت که در سطح عاملیت و نهادی به ساخت اجتماعی واقعیت ازدواج می‌انجامد.

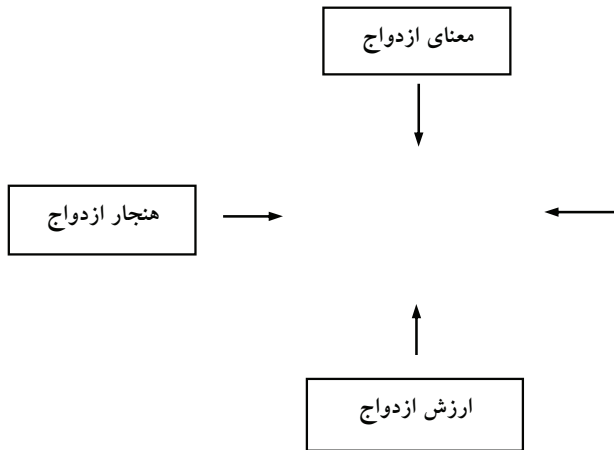
نمودار



چارچوب مفهومی انگاره ازدواج در بین جوانان

در سطح عملیاتی انگاره ازدواج، در قالب روش تحقیق پیمایش می‌توان بیان داشت که مفهوم «هنجارهای ازدواج» نوعی فشار یا تا حدودی الزام است که دیگران «انتظار» انجام رفتار ازدواج را از سوی جوانان دارند. همچنین در این راستا «فرصت ازدواج» نوعی «امکان و موقعیت» ایفای نقش را برحسب موقعیت و محدودیت‌های مختلف مالی، جسمی، اجتماعی و ... میسر می‌سازد که در کنار تاثیر هنجارهای اجتماعی، بعد تبیینی و ساختاری گرایش جوانان نسبت به ازدواج محسوب می‌شود. در مقابل در بخش فردی و عاملیتی، «ارزش ازدواج» قرار دارد که به نحوی اهمیت داشتن و «ماهیت اساسی» یک موقعیت یا انجام رفتاری برای جوانان در نظر گرفته شده است. همچنین «معنای ازدواج»، در قالب «تجربه و ادراک» فرد در قبال ازدواج از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این اساس واقعیت ذهنی کنشگران ایجاب می‌کند که معنا و ادراک فردی و اجتماعی جوانان مورد بررسی قرار گیرد؛ چرا که تفسیر جوانان از رفتارهایشان در قالب گرایش‌های مختلف موجب جهت دهی به کنش آنها می‌گردد. در این میان نیز میزان احساس هویت

فردی و اجتماعی در قبال ازدواج در قالب میزان اهمیت قائل شدن برای آنها و مهم جلوه کردن بیانگر ارزش ذهنی جوانان برای تاثیرگذاری بر رفتارشان می‌باشد. به عبارتی عاملیت‌بخشی به جوانان در کنار ساختار عینی می‌تواند به کنش و واکنش آنها تعیین بخشد. بنابراین می‌توان مدل نظری پژوهش را به صورت زیر ترسیم نمود:



شکل ۱: مدل مفهومی انگاره ازدواج در بین جوانان

روش‌شناسی پژوهش

با عنایت به هدف اصلی پژوهش مبنی بر توصیف، تبیین و تحلیل انگاره ازدواج در بین جوانان از دو روش تحقیق «پیمایش» و «تحلیل روند» استفاده گردیده است.

در فاز اول: در انجام پژوهش پیمایش، جمعیت آماری مطالعه را «کلیه دختران و پسران ۱۸ تا ۳۵ ساله جوان کل کشور در سال ۱۴۰۰» تشکیل می‌دادند. مطابق فرمول کوکران تعداد نمونه برآوردشده برابر با ۳۴۱۵ نفر بود و با بهره‌مندی از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای در نهایت از شهر تهران ۶۰۰ نمونه، اهواز ۴۰۰ نمونه، مشهد ۵۰۰ نمونه، رشت ۴۰۰ نمونه، خرم‌آباد ۴۰۰ نمونه، تبریز ۵۰۰ نمونه و شیراز ۶۰۰ نمونه انتخاب گردیدند. سپس نقشه‌های مناطق و میادین مختلف هر شهر تهیه و متناسب با آن حجم نمونه مشخص شد و عملیات پرسشگری به صورت مصاحبه حضوری انجام گرفت. در فاز دوم، مطالعه حاضر به روش «تحلیل روند» صورت گرفت و جامعه آماری آن را «کلیه پژوهش‌های انجام شده پیرامون ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان درباره ازدواج و خانواده طی چهار دهه اخیر تشکیل می‌دادند».

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از میان جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال کل کشور ۳۴۱۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ به نحوی که ۵۱ درصد نمونه را زنان و در مقابل ۴۹ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. در بین افراد نمونه ۴۹/۵ درصد متأهل و در مقابل ۴۶/۵ مجرد بودند (۴ درصد سایر). میانگین کل سن جوانان مورد مطالعه، ۲۷/۵ سال، میانه ۲۸ سال و بیشترین فراوانی متعلق به ۳۵ ساله‌ها می‌باشد. بیش از نیمی از جوانان نمونه تحصیلات دانشگاهی داشتند (۵۵ درصد)، ۳۳ درصد دیپلمه و در مقابل ۱۱ درصد نیز زیردیپلم، سواد بودند. همچنین نیمی از افراد شاغل، حدود ۲۰ درصد خانه دار، ۱۶ درصد دانشجو و نیز ۱۲ درصد علام کرده‌اند که در جستجوی کار هستند. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۱۷/۵ درصد نمونه تحقیق از شهر تهران، ۱۷/۵ درصد از شهر شیراز، ۱۵ درصد از شهر تبریز، ۱۵ درصد از شهر مشهد و در مقابل ۱۱/۵ درصد از شهر اهواز و نیز ۱۱/۵ درصد از شهر رشت است.

گرایش جوانان نسبت به ازدواج: نگرش به ازدواج را میزان آمادگی، پذیرش و سوگیری جوانان نسبت به امر ازدواج می‌توان تعریف نمود که متأثر از نظریه افق زناشویی کارول^۱ (۲۰۰۷) به لحاظ عملیاتی مولفه‌هایی از قبیل قصد ازدواج، زمان‌بندی ازدواج و اهمیت ازدواج را در بر می‌گیرد. برای سنجش گرایش جوانان به ازدواج ۶ معرف در نظر گرفته شده است که به نوبه خود از اعتبار سازه (همبستگی گویه با متغیر) و پایایی لازم (۰/۸۲) برخوردار هستند. طبق نتایج مندرج در جدول زیر، ۲۰ درصد جوانان کشور تمایلی به ازدواج و تشکیل خانواده ندارند؛ ۲۳ درصد ازدواج کردن برای آنها دغدغه مهمی نیست و نیز ۳۷ درصد نگران دیرازدواج کردن‌شان نیستند. در مقابل ۱۶ درصد علاقه بسیاری به ازدواج دارند و ۱۸ درصد ازدواج کردن دغدغه مهم‌شان است و نیز ۱۳ درصد در حد خیلی زیاد نگران دیر ازدواج کردن‌شان هستند.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های گرایش به ازدواج با ترکیب گویه‌های نگرش به ازدواج، ارقام

نگرش به ازدواج	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
۱- چقدر تمایل به ازدواج دارید؟	۱۳/۵	۲۰	۳۲	۲۲	۱۲/۵	۱۰۰
۲- چقدر فکر می‌کنید فرد مناسبی را برای ازدواج پیدا می‌کنید/کرده‌اید؟	۹	۱۴	۲۵	۳۰	۲۲	۱۰۰
۳- ازدواج کردن، چقدر برای شما دغدغه مهمی است/بود؟	۱۷	۱۹	۲۵	۲۴	۱۵	۱۰۰
۴- چقدر نگران دیر ازدواج کردن‌تان هستید/بودید؟	۳۰	۲۲	۲۰	۱۷	۱۱	۱۰۰
۵- چقدر معتقدید که ضرورتی ندارد همه افراد ازدواج کنند؟	۱۱	۲۴	۱۷	۳۰	۱۸	۱۰۰

مندرج در جدول زیر

¹ Carroll et al.

نشان می‌دهد که ۲۲ درصد از جوانان نگرش مثبت و در مقابل ۲۶ درصد نگرش منفی نسبت به ازدواج دارند. حدود نیمی از جوانان در حد متوسط نگرش به ازدواج دارند.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به ازدواج

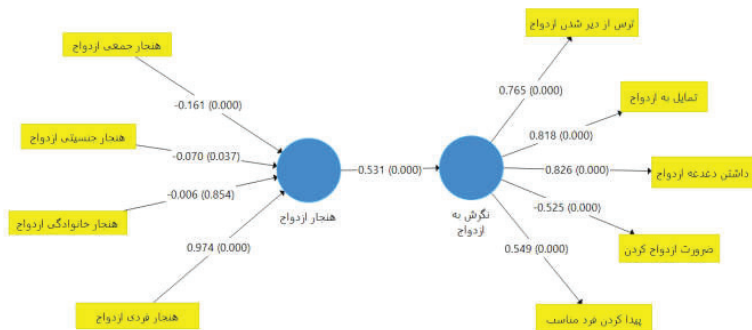
وضعیت	تعداد	درصد
منفی	۹۴۰	۲۶
بینابین	۱۴۸۱	۵۲
مثبت	۹۸۸	۲۲
بی نظر	۶	-
جمع	۳۴۱۵	۱۰۰

سن مناسب ازدواج: در بین جوانان مجرد علاقه‌مند به ازدواج، بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین مناسب سن ازدواج برابر با ۲۷ سالگی، میانه ۲۷ و بیشترین سنی که جوانان مجرد تمایل دارند ازدواج کنند، همچنین، میانگین سن مطلوب برای دختران ۲۳ سال، میانه برابر با ۲۵ سال و بیشترین فراوانی سنی که اعلام شده نیز ۲۵ سال می‌باشد.

رابطه نگرش به ازدواج با هنجار ازدواج:

«هنجارهای ازدواج» به مثابه انتظارات و الگوهای رفتاری الزام‌آوری عمل می‌کنند تا خطوط راهنمایی دختران و پسران جوان برای شکل دادن به زندگی زناشویی آنها باشد. بنابراین با توجه به در نظر گرفتن انواع رفتار و تمایلات جوانان برای ازدواج می‌توان میزان انتظاری که خانواده و یا اطرافیان از جوانان دارند به لحاظ عملیاتی با عنوان قواعد و هنجارهای ازدواج مورد سنجش قرار گیرد. بر این اساس سنجش هنجارهای ازدواج در قالب فشار، قواعد، انتظارات و الزامات فردی، خانوادگی، جمعی و جنسیتی می‌تواند صورت گیرد. برای بررسی رابطه بین دو متغیر هنجار ازدواج با نگرش به ازدواج از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری (نرم افزار PLS) استفاده شده است. چنانچه در مدل علی زیر مشاهده می‌گردد رابطه هنجار ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۵۳ می‌باشد. همچنین هنجار فردی ازدواج با ضریب بتای ۰/۹۷ و هنجار جمعی ازدواج با ضریب بتای منفی ۰/۱۶ بیشترین تاثیر را با متغیر نگرش به ازدواج نشان می‌دهد.

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها



مدل تجربی ۲: رابطه نگرش به ازدواج با هنجار ازدواج

جدول ۳: ضرایب بتای شاخص های هنجارهای ازدواج با نگرش به ازدواج

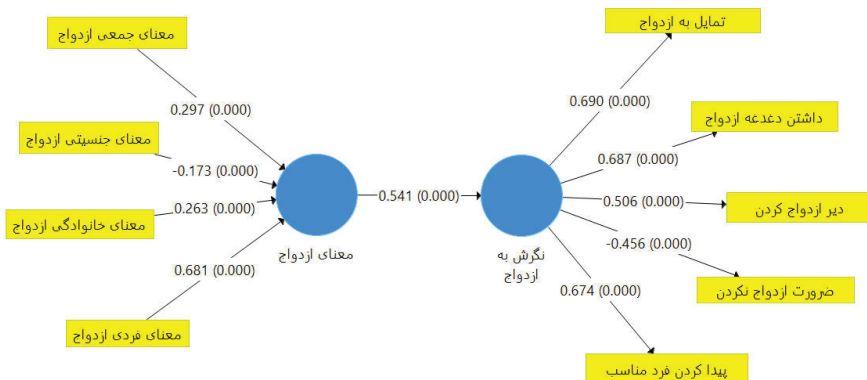
شاخص های هنجار ازدواج/ نگرش به ازدواج	
۰/۹۷**	هنجار فردی ازدواج: جوانان را باید تشویق کرد تا زودتر ازدواج کنند.
۰/۰۷	هنجار جنسیتی ازدواج: امروزه پسران/دختران نسبت به ازدواج بی رغبت و بی انگیزه شده‌اند.
۰/۰۰۶	هنجار خانوادگی ازدواج: امروزه خانواده ها، کمتر فرزندانشان را به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق می‌کنند.
۰/۱۶**	هنجار جمعی ازدواج: امروزه در جامعه ما، تصمیم برای ازدواج نکردن خیلی راحت تر از گذشته شده است.

در واقع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هرچه جوانان از طرف مردم جامعه بیشتر مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند، نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس. همچنین جوانانی که بیان کرده‌اند که تصمیم برای ازدواج نکردن خیلی راحت‌تر از گذشته شده است، نگرش منفی تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس.

رابطه نگرش به ازدواج با معنای ازدواج: «معنای ازدواج» پنداشت‌های اساسی، ایده‌ها و ذهنیت افراد در ارتباط با ازدواج می‌باشد که محصول درک و تجربه زیسته افرادی است که به نوبه خود کارکردها و پیامدهایی برای آنها به همراه دارد. بنابراین امکان تصمیم‌گیری، مقایسه و مدیریت تعاملات و تا حدودی رفع نیازها را برای کنشگر فراهم می‌کند. در واقع میزان پذیرش و مقبولیت انواع برداشت‌ها و رویکردهای جوانان در قالب معنای ازدواج متأثر از بافت خانوادگی و اجتماعی آنها بوده که به نوبه خود به فهم و تجربه زیسته فرد دامن می‌زند و به ساخت اجتماعی واقعیت ازدواج منجر می‌گردد. بر این اساس سنجش معنای ازدواج در قالب برداشت‌های فردی، خانوادگی، جمعی و جنسیتی می‌تواند صورت گیرد.

برای بررسی رابطه بین دو متغیر معنای ازدواج با نگرش به ازدواج، از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری (نرم افزار PLS) استفاده شده است. چنانچه در مدل علی زیر مشاهده می‌گردد رابطه معنای ازدواج

با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۵۴ می باشد. همچنین معنای فردی ازدواج با ضریب بتای ۰/۶۸ ، معنای خانوادگی ازدواج با ضریب بتای حدود ۰/۲۶ و نیز معنای جمعی با بتای ۰/۲۹ بیشترین تاثیر را با نگرش به ازدواج نشان می دهد.



مدل علی ۳: رابطه نگرش به ازدواج با معنای ازدواج

جدول ۴: ضرایب بتای شاخص های معنای ازدواج با نگرش به ازدواج

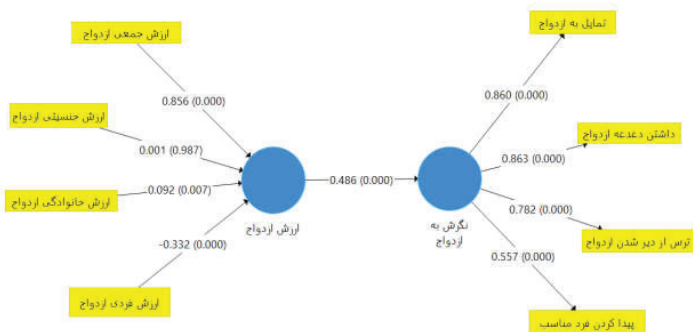
شاخص های معنای ازدواج/نگرش به ازدواج	
معنای فردی ازدواج: ازدواج موجب احساس امنیت در روابط عاطفی و جنسی فرد می شود.	۰/۶۸**
معنای جنسیتی ازدواج: ازدواج باعث می شود فرد از موقعیت های مختلف (تحصیلی و شغلی) باز بماند.	۰/۱۷ - *
معنای خانوادگی ازدواج: ازدواج کردن موجب رسمیت یافتن رابطه در قالب خانواده می گردد	۰/۲۶**
معنای جمعی ازدواج: در جامعه ما مجرد ماندن چالش های بسیاری را برای دختران/پسران به همراه دارد.	۰/۲۹**

در واقع می توان این گونه نتیجه گرفت که هرچه جوانان به دنبال روابط عاطفی و جنسی امن باشند، نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس. همچنین جوانانی که به دنبال رسمیت در روابط با جنس مخالف در قالب خانواده هستند، نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس. چالش هایی که تجرد برای دختران و پسران به همراه دارد موجب می گردد که جوانان تمایل بیشتری به ازدواج داشته باشند و عمدتاً افرادی که بدین چالش ها واقف نیستند، نگرش منفی نسبت به ازدواج دارند. همچنین جوانانی که معتقدند که ازدواج باعث می شود فرد از موقعیت های مختلف باز بماند، نگرش منفی تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس.

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

رابطه نگرش به ازدواج با ارزش ازدواج: «ارزش ازدواج» مطلوبیت‌هایی است که ماهیت و اهداف ازدواج را در قلمرو شکل‌گیری زندگی زناشویی سروسامان می‌دهد و به شروع و تداوم زندگی مشترک یا ممانعت از انجام آن را در بر می‌گیرد. در پژوهش حاضر متاثر از مورگان (۱۹۸۲) و چرلین (۲۰۰۴) به لحاظ عملیاتی نظام ارزشی ازدواج شامل چهار سنخ از ارزش‌های فردی (رابطه ای)، جنسیتی (اشتراکی)، خانوادگی (نهادی) و اجتماعی (قدسی) می‌باشد.

برای بررسی رابطه دو متغیر ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. چنانچه در مدل علی زیر مشاهده می‌گردد رابطه ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۴۸ می‌باشد. همچنین ارزش جمعی ازدواج با ضریب بتای ۰/۸۵ و نیز ارزش فردی ازدواج با بتای منفی ۰/۳۳ بیشترین تاثیر را با نگرش به ازدواج نشان می‌دهند.



مدل علی ۴: رابطه نگرش به ازدواج با ارزش ازدواج

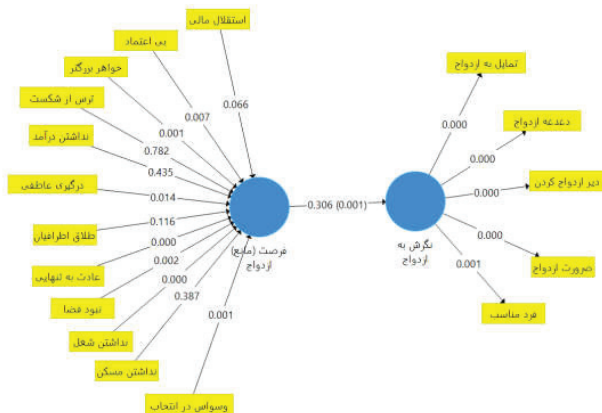
جدول ۵: ضرایب بتای شاخ‌های ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج

شاخص‌های ارزش ازدواج/نگرش به ازدواج	
ارزش فردی ازدواج: یک دختر یا پسر می‌تواند ازدواج نکند و مستقل از خانواده، زندگی کنند.	۰/۳۳ - **
ارزش جنسیتی ازدواج: زن و شوهر باید در تمام امور زندگی زناشویی (انجام امور منزل، مراقبت از کودکان و...) وظایف و نقش‌های مساوی داشته باشند.	۰/۰۰۱
ارزش خانوادگی ازدواج: هر فردی باید با شخصی که خودش انتخاب کرده، ازدواج کند؛ حتی اگر مورد موافقت والدین نباشد.	۰/۰۹ - **
ارزش جمعی ازدواج: لحاظ دینی و شرعی خود را مقید به ازدواج می‌دانم.	۰/۸۵ - **

در واقع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هرچه جوانان میل بیشتری به مستقل شدن و زیست مجردی داشته باشند، نگرش منفی‌تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس. همچنین جوانانی که به لحاظ شرعی خود را بیشتر مقید به ازدواج می‌دانند نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج دارند و برعکس. به لحاظ

ارزش‌های خانوادگی ازدواج، رابطه ضعیف معنادار شده نشان می‌دهد که هرچه افراد تلقی شان از ازدواج امری فردی و بدون موافقت خانواده باشد، نگرش منفی تری نسبت به ازدواج دارند. بنابراین رابطه‌ای و به تعبیر دقیق‌تر فردی نگرستن به ارزش ازدواج، موجب نگرش منفی تری نسبت به ازدواج می‌شود و در مقابل هرچه افراد ازدواج را به ارزش‌های خانوادگی و جمعی پیوند بزنند- به عبارتی هر چه فهم نهادی نسبت به ازدواج وجود داشته باشد- نگرش جوانان به ازدواج مثبت‌تر می‌گردد.

رابطه موانع (فرصت) ازدواج با نگرش به ازدواج: فرصت ازدواج بدان معناست که جوانان امکان و موقعیت انجام یکسری تمایلات و رفتارهای مختلف را برای ازدواج داشته باشند؛ به نحوی که مشکلات مختلف مالی، جسمی و... آنها را محدود نسازد. این امر موجب ایجاد فرصت مساوی برای بهبود وضعیت ازدواج جوانان در جامعه می‌گردد. به لحاظ عملیاتی فرصت‌های ازدواج به میزان امکانات و شرایط مختلف برای جوانان اطلاق می‌شود که فرصت‌های برابر در شروع زندگی زناشویی را فراهم می‌آورد. بر این اساس سنجش فرصت ازدواج در قالب محدودیت‌ها، موانع و چالش‌های فردی، خانوادگی، جمعی و جنسیتی می‌تواند صورت گیرد. برای بررسی رابطه دو متغیر ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. چنانکه در مدل علی زیر مشاهده می‌گردد فرصت ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۳۶ می‌باشد.



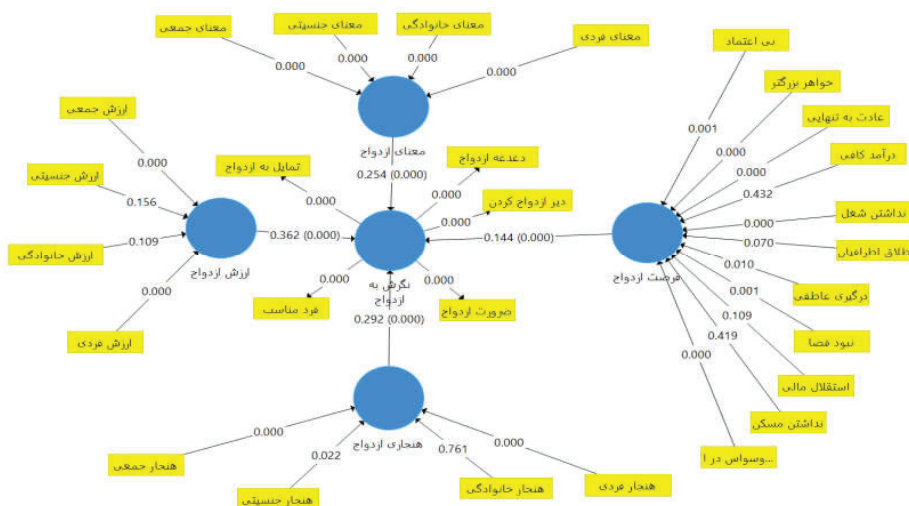
مدل علی ۷: رابطه نگرش به ازدواج با فرصت ازدواج

جدول ۶: ضرایب بتای شاخص های فرصت (موانع) ازدواج با نگرش به ازدواج

مشکلات و موانع ازدواج	سطح معناداری	ضریب بتا
تمایل به تنهایی	۰/۰۰۰	۰/۷۰
نداشتن شغل	۰/۰۰۰	۰/۳۰
وسواس در انتخاب همسر	۰/۰۰۱	۰/۲۹
داشتن برادر یا خواهر بزرگ تر مجرد	۰/۰۰۱	۰/۲۷
نبودن فضایی برای آشنایی بین دختر و پسر	۰/۰۰۲	۰/۲۴
بی اعتمادی به جنس مخالف	۰/۰۰۷	۰/۲۱
درگیری عاطفی نسبت به شخص خاص	۰/۰۱	۰/۱۸
نداشتن استقلال مالی	۰/۰۶	۰/۱۲
تجربه طلاق در بین نزدیکان	۰/۱۱	۰/۱۰
نداشتن مسکن	۰/۳۸	۰/۰۶
در حال تحصیل بودن	۰/۷	۰/۰۵
ترس از شکست در ازدواج	۰/۷۸	۰/۰۱

در واقع می توان این گونه نتیجه گرفت که از بین موانع مختلف موثر بر نگرش جوانان به ازدواج، به ترتیب تمایل به تنهایی با بتای ۰/۷۰، نداشتن شغل با بتای ۰/۳۰، وسواس در انتخاب همسر با بتای ۰/۲۹، داشتن برادر یا خواهر بزرگتر مجرد با بتای ۰/۲۷، نبودن فضایی برای آشنایی بین دختر و پسر با بتای ۰/۲۴، بی اعتمادی به جنس مخالف ۰/۲۱، درگیری عاطفی نسبت به شخص خاص با بتای ۰/۱۸ بیشترین محدودیت پیش روی جوانان برای ازدواج هستند که موجب می شوند جوانان نگرش منفی تری نسبت به ازدواج داشته باشند.

تحلیل چند متغیره داده ها: چنانچه در مدل علی زیر مشاهده می گردد رابطه ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با بتای ۰/۳۶، معنای ازدواج برابر با بتای ۰/۲۵، هنجار ازدواج برابر با بتای ۰/۲۹ و فرصت ازدواج برابر با بتای ۰/۱۴ می باشد. در واقع مشاهده می گردد داشتن نگرش مثبت یا منفی نسبت به ازدواج بیش از همه به میزان ارزشمندی ازدواج در نظر جوانان بر می گردد. به عبارتی، هرچه جوانان ارزش اجتماعی بیشتری برای ازدواج قائل باشند، نگرش مثبت تری به ازدواج دارند و برعکس. همچنین با توجه به بتای هنجارهای اجتماعی، به نظر می رسد کسانی که تحت تاثیر و الزام واقعیت بیرونی ازدواج هستند و انتظار می رود که به موقع ازدواج کنند، نگرش مثبت تری به ازدواج دارند.



مدل علی ۷: عوامل موثر بر نگرش به ازدواج

بحث و نتیجه گیری

در بحث از توصیف و تبیین نگرش جوانان ایرانی نسبت به ازدواج در این بخش لازم است در قالب بهره‌مندی از تحلیل روند به تحلیل ثانویه مطالعه ملی و منطقه‌ای مختلف پرداخته شود. در این تحلیل به توصیف و مقایسه نتایج پیمایش‌های مختلف از سال ۱۳۵۳ تاکنون پیرامون روند نگرش جوانان نسبت به زمان‌بندی ازدواج، سن مطلوب ازدواج در بین دختران و پسران، معیارهای همسرگزینی، نگرش نسبت به جنس مخالف، نگرش به ازدواج سفید (همبایی)، و نیز تبیین نگرش جوانان متأثر از متغیرهای هنجار، ارزش، معنا و نیز موانع ازدواج پرداخته می‌شود تا در تحلیل جامعه‌شناختی و در سطحی انتزاعی تر به جمع‌بندی الگوی تحولات نهاد ازدواج از منظر جوانان ایرانی رسید.

یا مرور نتایج پژوهش‌های مختلف پیرامون مولفه‌های انگاره ازدواج جوانان و مقایسه آنها با نتایج چهار دهه پیمایش ملی مختلف در ایران، می‌توان سنخ‌ها، روندها و تحولات مربوط به ازدواج را در جامعه ایران و نیز به طور خاص در بین جوانان تفسیر نمود:

تصمیم به ازدواج: با مرور نتایج مختلف مشاهده می‌گردد که ۱۹/۵ درصد جوانان مجرد کل کشور اصلاً تمایلی به ازدواج ندارند و در مقابل فقط ۱۰ درصد در حد خیلی زیاد تمایل دارند (غیاثوند، ۱۴۰۰). به طور دقیق، ۲۴ درصد پسران و ۱۵ درصد دختران علاقه‌ای به ازدواج ندارند. در پژوهشی دیگر در بین زنان و دختران سال ۱۳۹۹ در شهر تهران ۱۴ درصد و در سال ۱۳۹۶ حدود ۱۶ درصد دختران مجرد تمایلی به

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

ازدواج ندارند و به ترتیب ۱۰ و ۴ درصد درحد زیاد میل به ازدواج داشتند (غیاثوند، ۱۳۹۹ و ۱۳۹۶). در مطالعه ایسپا، ۴/۳ درصد پاسخگویان گفته‌اند که اصلاً ازدواج نخواهند نمود. ۲۵/۲ درصد نیز اظهار نموده‌اند که مطمئن نیستند که ازدواج کنند (ایسپا، ۱۳۹۷). در یک جمع‌بندی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد ۲۶ درصد نگرش منفی و ۲۲ درصد نگرش مثبت به ازدواج دارند و حدود ۵۲ درصد جوانان با نگرش بینابین قابل تامل است. گرچه طبق مطالعه ایسپا، حدود ۶۷ درصد بیان کرده که در نهایت «یک روزی ازدواج خواهند نمود». بنابراین می‌توان بیان داشت حدود یک سوم جوانان با نگرش منفی و تردید در تصمیم برای ازدواج مواجه‌اند که از این مقدار حداقل ۱۵ درصد علاقه‌ای به ازدواج ندارند؛ چرا که ۱۱ درصد جوانان معتقدند که فرد مناسب‌شان را پیدا نمی‌کنند، ۲۲ درصد جوانان اصلاً دغدغه‌ای برای ازدواج کردن ندارند؛ ۳۶ درصد اصلاً نگران دیر ازدواج کردن نیستند و ۱۰ درصد معتقدند که ضرورتی ندارد همه افراد بخواهند ازدواج کنند. با بررسی این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت ازدواج نکردن و تنها زیستی، در بین حدود حداقل ۲۰ تا ۳۰ درصد جوانان بتدریج به عنوان یکی از سبک‌های زندگی به عنوان پدیده‌ای نو در حال شکل‌گیری است. همچنین نتایج پاسخ به سوالی با مضمون پیشنهاد پاسخگویان برای جوانانی که در شرایط فعلی نمی‌توانند ازدواج کنند، ۳۲ درصد به «مستقل شدن و تنها زندگی کردن» اشاره نموده‌اند. حتی در بررسی آماری بین موانع مهم موثر نگرش به ازدواج مشخص شد که «عادت به تنهایی» بیشترین رابطه همبستگی را به داشتن نگرش منفی نسبت به ازدواج نشان داد.

زمان‌بندی ازدواج: بی تردید منظور از زمان‌بندی ازدواج، همان سن ایده‌آل یا مناسب ازدواج است که میانگین سنی آمادگی دختران و پسران یک جامعه برای ازدواج محسوب می‌شود. با مقایسه داده‌های پیمایش ملی طی سال‌های ۷۴ تا کنون می‌توان نتیجه گرفت در پژوهش حاضر میانگین سن مطلوب برای پسران ۲۷ سال به‌دست آمده است. گرچه حدود ۱۱ درصد بازه سنی ۱۸ تا ۲۳ سال را مد نظر قرار داده‌اند، اما ۴۲ درصد به سنین ۳۰ تا ۳۵ سالگی اشاره کرده‌اند. در پژوهش ایسپا نیز در سال ۱۳۹۲ میانگین سن مطلوب برای پسران ۲۷/۶ و در سال ۱۳۹۷ برابر با ۲۷/۸ می‌باشد (ایسپا، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶). در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان سال ۱۳۸۳ توسط سازمان ملی جوانان، در مجموع مناسب‌ترین سن ازدواج پسران از نظر پاسخگویان (۱۵ تا ۲۹ ساله کل کشور) حدود ۲۶ و برای دختران ۲۱/۶ بیان شده است. البته این وضعیت در شهرهای بزرگ اندکی افزایش می‌یابد؛ به عنوان مثال، در پژوهشی در شهر تهران سن مطلوب ازدواج ۲۸ سالگی (گودرزی، ۱۳۹۰) و ۳۰ سالگی (غیاثوند، ۱۳۹۹) برآورد شده است.

بررسی این وضعیت در بین دختران نیز بیانگر آن است که در پژوهش حاضر، میانگین سن مطلوب برای دختران ۲۳ سال بوده است. در پژوهش ایسپا نیز در سال ۱۳۹۲ میانگین سن مطلوب برای دختران ۲۳/۲ و در سال ۱۳۹۷ برابر با ۲۳/۱ می‌باشد (ایسپا، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶). البته در شهر تهران سن مطلوب ازدواج ۲۳

سالگی (گودرزی، ۱۳۹۰) و ۲۷ سالگی (غیاثوند، ۱۳۹۹) برآورد شده است. در واقع مشاهده می‌گردد میانگین سن مطلوب ازدواج برای پسران و دختران طی سه دهه اخیر حدود سه سال افزایش نشان می‌دهد. مقایسه این اطلاعات با میانگین سن ازدواج در کل کشور نشان می‌دهد که عدد به دست آمده نزدیک به نتایج سرشماری است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ میانگین سن ازدواج برای مردان برابر با ۲۴/۲ سال و برای زنان برابر با ۱۹/۷ سال بوده، ولی در سرشماری ۱۳۹۵ میانگین سن ازدواج در کل کشور برای مردان ۲۷/۴ سال و زنان ۲۳ سال گزارش شده است (مرکز آماری، ۱۳۹۵). بنابراین مشاهده می‌گردد که در هر دهه حدود یک سال به میانگین سن ازدواج در بین جوانان افزوده شده است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت واریانس سنی زمان ازدواج (اختلاف کمترین تا بیشترین سن ازدواج) تفاوت چشمگیری پیدا کرده است. در واقع در عین اینکه شاهد زودرسی سن ازدواج در برخی از مناطق شهری و روستایی هستیم، ازدواج‌های تاخیری نیز در سال‌های اخیر افزایش و نسبت تجردهای قطعی نیز فزونی یافته است. جالب اینکه حدود ۳۰ درصد نمونه مطالعه حاضر معتقد بودند دختران بهتر است در سنین ۲۰ سالگی و کمتر ازدواج کنند و در مقابل ۱۸ درصد ۳۰ سالگی و بالاتر را مطلوب می‌دانند. البته برای پسران ازدواج ۵ درصد سنین ۲۰ سالگی و کمتر را مطلوب، ولی ۱۸ درصد ۳۰ سالگی و بالاتر مد نظر داشته‌اند. پس همزمان با تغییر رفتار جوانان، شاهد تغییر نگرش آنان درباره سن مناسب ازدواج می‌باشیم. گرچه باید اذعان داشت افزایش سن اولین ازدواج و کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده در سنین پایین، پدیده‌ای جهانی است که در سال‌های اخیر دامن‌گیر کشور ما نیز شده است. با این وجود ازدواج در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای جهان در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد. میانگین سن ازدواج زنان و مردان در حدود دوسوم کشورهای آسیایی از ارقام مشابه در ایران بیشتر است (بخش جمعیت، گروه امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۳). به علاوه، علی‌رغم افزایش سن ازدواج، عمومیت ازدواج در کشور همچنان بالاست. این درحالی است که بخش قابل توجهی از زنان و مردان ایرانی تا سن ۳۵ سالگی ازدواج می‌کنند (۸۴/۵ درصد و ۸۴/۱ درصد مردان). در این میان نیز در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۵۲ هزار نفر مجرد قطعی (۵۰ ساله و بیشتر) در ایران ثبت شده است (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۵).

معیارهای همسرگزینی: در پژوهش ملی سال ۱۳۵۳ نجابت، خلق خوش و خانه داری به ترتیب سه ویژگی مهم یک زن ایده‌آل در جامعه ایران بود؛ در حالی که خصوصیات نظیر فهم و ذکاوت، تحصیل، اصالت خانوادگی و زیبایی کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. همچنین مرد ایده‌آل در جامعه امروز ایران، مردی است که در مرحله نخست با خانواده خود خوش رفتار (۳۴ درصد) و سپس دلسوز و مسئول باشد و بتواند معیشت آنها را فراهم کند (اسدی و همکاران، ۱۳۵۳: ۱۴۶). در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۵ پیرامون ویژگی‌های یک پسر یا مرد خوب برای ازدواج و یا یک دختر یا زن خوب، یافته‌ها

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

نشان داد که برای دختران ۱۶/۵ درصد به پاکدامنی، ۱۵/۵ درصد به ایمان و تقوا و ۱۵ درصد به معیار اخلاق و رفتار خوب اشاره کرده‌اند. همچنین برای پسران ۲۲/۱ درصد داشتن شغل، ۱۹/۶ درصد اخلاق و رفتار خوب و ۱۶/۱ درصد ایمان را مد نظر قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر در بین جوانان «اصالت خانوادگی» با ۵۵ درصد در مرتبه نخست و در مراتب بعدی «تعهد به زندگی زناشویی» و «عشق و علاقه» با ۴۸ درصد و نیز «خوش اخلاق بودن» با ۴۷ درصد مهمترین معیارهای همسرگزینی در بین جوانان هستند. جالب است خوش تیپ بودن، پولدار بودن، مذهبی بودن و داشتن تحصیلات بالا با فاصله بیشتری کمترین معیار مورد قبول جوانان می‌باشند.

در مجموع با مرور داده‌های چهار دهه از پژوهش‌های مختلف پیرامون معیارهای همسرگزینی، مشاهده می‌گردد که معیار «خوش رفتاری و اخلاق» بیش از سایر ملاک مورد توجه مردم ایران بوده و می‌باشد. در اولویت دوم، نجابت برای دختران و داشتن شغل برای پسران بیش از همه مهم تلقی می‌گردد. چنانچه اخیراً به مطالعه معیارهای مورد سنجش پردازیم بتدریج شاهد هستیم که معیار اصالت خانوادگی و بعد تعهد به خانواده در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. توجه به این معیار به خاطر افزایش طلاق و خیانت در سطح خانواده‌ها قابل توجیه است. در مقابل مشاهده می‌گردد که در این مدت معیارهایی از قبیل خوش تیپ بودن، پولدار بودن، تحصیلات بالا و مذهبی بودن جزو کمترین معیارهای مورد توجه و اهمیت در بین جوانان محسوب می‌شوند. البته از این دو سنخ معیار همسرگزینی یعنی معیار اولیه (داشتن اخلاق خوب، نجابت، شغل و تعهد خانوادگی) و در مقابل معیار ثانویه (خوش تیپ بودن، پولدار بودن، تحصیلات بالا و مذهبی بودن) می‌توان دو تفسیر ارائه نمود: نخست اینکه جوانان بیشتر به معیار اولیه همسرگزینی توجه دارند؛ زیرا که این معیارها موجب پایداری و استحکام خانواده را رقم می‌زنند. دیگر اینکه توجه کمتر به معیارهای ثانویه، نوعی بدیهی پنداشتن آنهاست و می‌توان کمتر بدان علاقه نشان داد.

در این راستا، در زمینه انتخاب همسر، سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۳/۷ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که نظر پدر و مادر اهمیت دارد؛ در مقابل ۴۶/۹ درصد نیز گفته‌اند صرفاً نظر خودشان در انتخاب همسر اهمیت دارد (ایسپا، ۱۳۹۷). طبق سرشماری ۱۳۹۰، درصد ازدواج‌هایی که در آن شوهران ۲ تا ۴ سال بزرگتر از زنان بوده‌اند برای متولدین ابتدا تا انتهای دوره از ۱۶ درصد به کمی بیش از ۲۶ درصد و به همین منوال، درصد زوجین هم سن و نیز +۱- سال اختلاف سنی شوهر از زن، از ۱۰ درصد به بیش از ۱۷ درصد افزایش می‌یابد.

در مجموع این روندها حاکی از آن است که در طول زمان از فواصل سنی زیاد بین زوجین به‌طور چشمگیری کاسته شده و در مقابل درصد ازدواج‌های با فاصله کم سنی بین زن و شوهر و یا همسان از نظر سنی افزایش یافته است (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲). با توجه به شواهد آماری، ما شاهد کاهش

ازدواج و افزایش میانگین سن ازدواج در جهان (بیشتر)، کشور و به ویژه در شهر تهران می‌باشیم. این افزایش سن در بین زنان نسبت به مردان شدیدتر است. طبق بررسی صورت گرفته میانگین سن ازدواج برای دختران برابر با ۲۶/۵ و برای پسران برابر با ۲۹/۵ سال بوده است. همچنین میانگین اختلاف سن زوجین ۳ سال می‌باشد. نکته جالب‌تر اینکه حدود ۱۷ درصد زوجین هم‌سن بوده و نیز ۷/۵ درصد زنان از مردان سن‌شان بیشتر است (غیاثوند، ۱۳۹۲). همچنین در بیشتر مطالعات مشاهده می‌گردد دختران جامعه به لحاظ تحصیلی و شغلی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به پسران پیدا کرده‌اند. «وضعیت تحصیلات زنان و مقایسه با شوهرانشان درصدی برابر با ۳۵ درصد (کاردانی و کارشناسی) و ۱۲ درصد (کارشناسی ارشد) را نشان می‌دهد که بیانگر نوعی «همسان‌همسری تحصیلی» در بین زنان و مردان متأهل می‌باشد (غیاثوند، ۱۳۹۹). در واقع می‌توان نتیجه گرفت حداقل در یک دهه اخیر معیارهای ازدواج به سمت همسان‌همسری سنی و تحصیلی در حال تغییر است و در برخی موارد شاهد فرو دست همسری دختران می‌باشیم؛ دخترانی که با سطح سواد و نیز مرتبه شغلی بالاتر با پسرانی با سواد کمتر و پایگاه اقتصادی پایین‌تر ازدواج می‌کنند. «طرز تفکر و تلقی از همسان‌گزینی در ازدواج موجب شده است تا بسیاری از دختران تحصیل کرده با وجود تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی مناسب، از یافتن شریک زندگی خود بازمانند» (محبی و همکاران، ۱۳۹۵).

هنجارهای و ارزش‌های ازدواج: طبق چارچوب نتایج حاصل رابطه متغیر ارزش ازدواج با نگرش به ازدواج برابر با بتای ۰/۳۶، معنای ازدواج برابر با بتای ۰/۲۵، هنجار ازدواج برابر با بتای ۰/۲۹ و فرصت ازدواج برابر با بتای ۰/۱۴ می‌باشد. در اینجا منظور از هنجار ازدواج، نوعی فشار یا تا حدودی الزامی است که دیگری ضمنی از جوانان برای ازدواج انتظار دارند. همچنین ارزش ازدواج مطلوبیت‌هایی است که ماهیت و اهداف ازدواج را در قلمرو شکل‌گیری زندگی زناشویی سروسامان می‌دهد. در این باره چهار مولفه فردی، جنسیتی، خانوادگی و جمعی برای سنجش این متغیرها در نظر گرفته شد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که ارزش جمعی ازدواج با ضریب بتای ۰/۸۵ و نیز ارزش فردی ازدواج با بتای منفی ۰/۳۳ بیشترین تاثیر را با نگرش به ازدواج نشان می‌دهند. بنابراین ارزش فردی ازدواج با تکیه بر مستقل شدن و ازدواج نکردن با داشتن نگرش منفی نسبت به ازدواج و نیز ارزش جمعی ازدواج با پذیرش تقید شرعی و دینی به ازدواج و داشتن نگرش مثبت به ازدواج فهم جدید از گرایش و تصمیم به ازدواج را برای ما روشن می‌سازد که در نهایت به ازدواج رسمی، به هنگام و در مقابل به ازدواج غیر رسمی (سفید) تاخیری و مبتنی بر آزادی در روابط جنسی می‌انجامد.

در خصوص هنجارهای ازدواج، هنجار فردی ازدواج با ضریب بتای ۰/۹۷ و هنجاری جمعی ازدواج با ضریب بتای منفی ۰/۱۶ بیشترین تاثیر را با متغیر نگرش به ازدواج نشان می‌دهد. بر این اساس هرچه جوانان از طرف مردم جامعه بیشتر مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند، نگرش مثبت‌تری نسبت به

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

ازدواج دارند و در مقابل جوانانی که بیان کرده‌اند که تصمیم برای ازدواج نکردن خیلی راحت تر از گذشته شده است، نگرش منفی تری نسبت به ازدواج دارند. در واقع مشاهده می‌گردد فشار هنجاری ازدواج نسبت به جوانان برای ازدواج کمتر شده است و اختیار بیشتری برای تصمیم به ازدواج به خود آنها واگذار شده است. گرچه در این میان به نظر می‌رسد کاهش فشار هنجاری خانواده، تحت تاثیر ناتوانی خانواده برای حمایت‌های مالی و اقتصادی جوانان باشد. طبق تحقیق صورت گرفته «۷۴ درصد زوج‌های جوان بیان داشته‌اند که هزینه‌های رهن، اجاره و یا خرید منزل بر عهده خودشان (۶۷ درصد مردان و ۱۳ درصد زنان) بوده است. در خصوص مراسم و خرید عروسی سهم زوجین برابر با ۷۳ درصد، خانواده‌ها برابر با ۲۰ درصد، سایر ۷ درصد بوده؛ در زمینه تهیه وسایل زندگی سهم زوجین برابر با ۷۰ درصد، خانواده‌ها ۲۷ درصد، و سایر ۱۳ درصد بوده است (غیاثوند، ۱۳۹۲). بنابراین امروز مشاهده می‌گردد کنش ازدواج و تصمیم جوانان برای ازدواج بیشتر به شرایط اقتصادی زوجین، میزان مشارکت هردوی آنها برای سروسامان داندن به ازدواج می‌گردد. بنابراین جنبه شخصی و فردی پنداشتن آن و مبتنی بر آمادگی فردی دانستن پر رنگ‌تر می‌شود و کمتر می‌توان شاهد الزام خانواده‌ها مبنی بر ازدواج در بین جوانان بود. «اشتغال زنان همراه با تحصیلات آنان یکی از عوامل موثر بر تغییر ارزش ازدواج بوده است» (سرایي و اوجاقلو، ۱۳۹۰).

معنای ازدواج: در این مطالعه، معنای ازدواج پنداشت‌های اساسی، ایده ها و ذهنیت افراد در ارتباط با ازدواج می‌باشد که محصول درک و تجربه زیسته افراد است که به نوبه خود کارکردها و پیامدهایی برای آنها به همراه دارد. طبق بررسی صورت گرفته، با عنایت به تاثیرگذاری متغیر معنای ازدواج با بتای ۰/۲۵ می‌توان به طور دقیق تر بیان نمود که معنای فردی ازدواج با ضریب بتای ۰/۶۸، معنای خانوادگی ازدواج با ضریب بتای ۰/۲۶ و نیز معنای جمعی با بتای ۰/۲۹ بیشترین تاثیر را با نگرش به ازدواج نشان می‌دهند. پس هرچه جوانان به دنبال روابط عاطفی و جنسی امن باشند؛ به دنبال رسمیت رابطه با جنس مخالف در قالب خانواده باشند و مجرد ماندن برای آنها چالش‌های بسیاری را به همراه داشته باشد، نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج پیدا می‌کنند.

به تعبیری مشاهده می‌گردد در بین برخی از جوانان، ازدواج کردن نوعی هویت‌یابی خانوادگی را تداعی می‌بخشد؛ اینکه چقدر ازدواج موجب افزایش منزلت و جایگاه اجتماعی افراد می‌گردد و در مقایسه با ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل در اولویت بیشتری قرار دارد که نوعی فاصله گرفتن از توسعه و رشد پیشرفت‌های فردی و به اشتراک گذاشتن منابع زندگی را با دیگران به همراه دارد. پس متاثر از نتایج «محبی و همکاران» دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج شامل دو تم مفهومی «تأخیر ازدواج به مثابه فرصت‌سازی» و «تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سوزی» است (محبی و همکاران، ۱۳۹۵). «مشارکت‌کنندگان واپس زدگی» به ازدواج ناشی از چهار مقوله ترس، بی‌میلی، افول ارزش‌های فرامادی و لذت‌گرایی را تجربه

می‌کنند با دلایل معنایی در سه مقوله الگوی معیشت شامل اقتصاد ناایمن مرد، عدم توان مدیریت هزینه‌ها، استقلال مالی زنان؛ مناسبات ارزشی نوپدید شامل ارزش‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی-ارتباطی شامل وضعیت اجتماعی و چگونگی ارتباطات دو جنس با یکدیگر قابل تفسیر است» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

فرصت ازدواج: فرصت ازدواج بدان معناست که جوانان امکان و موقعیت انجام یکسری تمایلات و رفتارهای مختلف را برای ازدواج داشته باشند؛ به نحوی که مشکلات مختلف مالی، جسمی و... آنها را محدود نسازد. در زمینه موانع ازدواج، بتای متغیر فرصت و محدودیت‌های ازدواج برابر با ۰/۱۶ می‌باشد. به طور دقیق‌تر می‌توان نتیجه گرفت که به ترتیب تمایل به تنهایی با بتای ۰/۷۰، نداشتن شغل با بتای ۰/۳۰، و سواس در انتخاب همسر با بتای ۰/۲۹، داشتن برادر یا خواهر بزرگتر مجرد با بتای ۰/۲۷، بی‌اعتمادی به جنس مخالف ۰/۲۱، درگیری عاطفی نسبت به شخص خاص با بتای ۰/۱۸ بیشترین موانع پیش روی جوانان ایرانی برای ازدواج می‌باشند. همچنین «در بحث از عوامل بالا رفتن سن ازدواج به مواردی از قبیل عدم برخورداری از درآمد کافی، بالا بودن هزینه ازدواج، عدم برخورداری از مسکن مستقل و بالا بودن سطح توقعات جوانان اشاره کرده‌اند که عمدتاً موانع اقتصادی محسوب می‌شوند (فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۹). جوان در مورد دلایل عدم ازدواج و اینکه چه چیز باعث شده است که تاکنون ازدواج نکنند، نیافتن همسر دلخواه را با ۴۹/۱ درصد به عنوان بیشترین دلیل خود بیان کرده‌اند. بالا بودن هزینه‌های زندگی مشترک با ۳۴/۹ درصد و نداشتن شغل با ۳۰/۴ درصد نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند» (ایسپا، ۱۳۹۷).

طبق پژوهش محبی و همکاران (سال ۱۳۹۵) مشارکت‌کنندگان علل تأخیر در ازدواج را تنگنای ازدواج، ریسک ازدواج، زاویه‌گیری خانواده از ازدواج، آনومی در ازدواج، تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی، محاسبه هزینه - فایده ازدواج، سپهر روانی مجرد، بی اخلاقی‌های اجتماعی و بازاندیشی در هویت زنانه برشمرده‌اند. برخی دختران، آموزش را به ابزاری برای گسترش آزادی‌های فردی و تثبیت «خودمختاری» و «فردیت جدید» خود تبدیل می‌کنند. در واقع؛ این گروه، تأخیر در ازدواج را مثبت ارزیابی می‌کنند. از منظر آنها، «تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی» است و ازدواج، امکان ارتقای اجتماعی آنها را کاهش داده و تحقق بسیاری از آرزوهای آنان را با مشکل مواجه خواهد کرد. این نوع نگرش عمدتاً محصول رویکرد برابری جنسیتی و فمینیسم است (محبی و همکاران، ۱۳۹۵). «بیشترین میزان اثرگذاری در نگرش سنتی به ازدواج مربوط به متغیر دینداری و برای نگرش مدرن به ازدواج، مربوط به هزینه فرصت است» (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۴). بی‌تردید تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه ایران، متاثر از جهانی‌شدن و نیز تحولات هویتی در بین جوانان مناسبات شکل‌گیری ازدواج و تشکیل خانواده را دستخوش تحولات گوناگونی نموده است. در واقع مشاهده می‌گردد که واکنش جوانان به ازدواج در الگویی از قبیل

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

«پارادوکس ازدواج» و «محاسبه هزینه فایده ازدواج» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵)، «فرصت‌سازی و فرصت-سوزی» (محبی و همکاران، ۱۳۹۵)، «ماندن در ایستار ازدواج» (غیاثوند و حاجیلو، ۱۳۹۹) قابل شناسایی و تحلیل می‌باشند. با مروری کلی و انتزاعی بر یافته‌های مطالعات کمی و کیفی مختلف، می‌توان چنین استنباط نمود که انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی در مواجهه با دو الگوی «کنش انتخابی ازدواج - ساخت نهادی ازدواج» تعیین می‌گردد. چنانچه روند و تحلیل داده‌های مربوط به خانواده و ازدواج را در حداقل سه دهه گذشته مرور کنیم، می‌توان شاهد غلبه کنش انتخابی ازدواج و عاملیت جوانان بود و در مقابل به فرسایش نهادمندی ازدواج منجر می‌گردد. همچنین به نظر می‌رسد چنین انگاره‌ای در قالب غلبه کنش انتخابی بر نهادی خانواده با چهار سنخ الگوی ازدواج و تشکیل خانواده قابل شناسایی و تحلیل است که به نوبه خود زمان‌بندی ازدواج، معیارهای همسرگزینی، ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج و نیز معنا و موانع ازدواج متفاوت فهم می‌شود؛ به عبارتی، هر چه جوانان فهم نهادی تری نسبت به ازدواج داشته باشد، نگرش آنها به ازدواج مثبت‌تر می‌گردد. بر این اساس هرچه افراد تلقی‌شان از ازدواج امری فردی، انتخابی و بدون موافقت خانواده باشد، نگرش منفی‌تری خواهد. بر این اساس می‌توان چهار الگوی ازدواج را در بین جوانان همراه با مشخصات جدول زیر مورد شناسایی و تمایز قرار داد که به نوبه خوبه در قالب انگاره ازدواج کلی قابل تحلیل هستند.

جدول ۷: انگاره جوانان ایرانی نسبت به ازدواج و سنخ‌های ازدواج

کنش انتخابی ازدواج - ساخت نهادی خانواده	
سنخ فردگرایانه ازدواج	سنخ عرفی ازدواج
زمان‌بندی ازدواج: ازدواج‌های تأخیری	زمان‌بندی ازدواج: ازدواج‌های اقتضایی
الگوی همسرگزینی: آزادی بیشتر در انتخاب همسر	الگوی همسرگزینی: همراهی خانواده و خواستگاری سنتی
ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج: برون‌همسری و همسان‌همسری ازدواج	ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج: فشار هنجاری درون همسری و ازدواج فامیلی
معنا و موانع ازدواج: رشد و توسعه فردی و همزمان	معنا و موانع ازدواج: حمایت اجتماعی و اقتصادی خانواده
سنخ اشتراکی ازدواج	سنخ مذهبی ازدواج
زمان‌بندی ازدواج: ازدواج‌های همبالی	زمان‌بندی ازدواج: ازدواج‌های شرعی
الگوی همسرگزینی: اهمیت بعد شخصی و خصوصی ازدواج	الگوی همسرگزینی: هم‌کفو بودن و مذهبی بودن
ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج: مطالبه‌گری حقوق برابر در بین زوجین	ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج: سایه گسری دین در امور زندگی
معنا و موانع ازدواج: آزادی سیال و معاشرت جنسی	معنا و موانع ازدواج: زودرسی ازدواج و تنقید شرعی

با توجه به شکل‌گیری سنخ نامتعارف ازدواج در جامعه ایران (ازدواج اشتراکی)، برخی از چالش‌های پیش روی خانواده در جامعه ایران عبارت‌اند از:

- افزایش سن ازدواج، کاهش تمایل جوانان به ازدواج و عدم‌پذیرش مسئولیت زندگی و اقدام به ازدواج در بین جوانان؛
 - رخداد مضيقه ازدواج و يا بالا بودن تعداد دختران آماده ازدواج نسبت به پسران آماده ازدواج در دهه اخير؛
 - تغيير الگوی همسرگزینی و افزایش فردگرایی و مقاومت در برابر الگوهای رایج، عرفی و دینی ازدواج؛
 - کاهش نقش خانواده‌ها در فرآیند ازدواج جوانان علیرغم جایگاه مهم خانواده در نظام اجتماعی و دینی و نگرش مثبت مردم به خانواده؛
 - پذیرش و توسعه سبک زندگی تجرد زیستی انتخابی به عنوان یک الگوی نو پدید و تحت تاثیر قرار دادن کارکردها و ظرفیت‌های خانواده؛
 - گسترش ازدواج‌های فرودست همسری در بین دختران در قالب ازدواج با پسرانی با تحصیلات کمتر، سن کمتر و پایگاه کمتر؛
 - نگرش مثبت جوانان نسبت به روابط هم‌بالینی در بین جوانان؛
 - پیگیری و توسعه هویت مادرانه در بین دختران مجردی که تمایل چندانی به ازدواج ندارند علیرغم داشتن رغبت و تمایل بیشتری به داشتن فرزند یا فرزندخواندگی.
- در راستای چالش‌های مطرح شده برخی سیاست‌ها و کاستی‌های برنامه‌ریزی در این باره بدین شرح است:
- توجه لازم به جلب مشارکت اجتماعی جامعه و نهادهای مدنی و سازمان‌های مالی خیریه در امور ازدواج و امکان تجمع و تجهیز منابع مالی مردمی برای کاهش مسائل ازدواج؛
 - افزایش حمایت، نظارت و مشارکت اجتماعی در امر ازدواج جوانان و کاهش غلبه برخی از اقدامات قانونی رایج مثل به اجرا گذاشتن مهریه، نداشتن حق طلاق زنان و...؛
 - عدم واگذاری حمایت اجتماعی نهاد خانواده به دولت و تأکید یک‌سویه بر نقش دولت در حل مسائل مشکلات اقتصادی جوانان؛
 - ایجاد سازوکارهای هماهنگ‌کننده و شبکه‌سازی در بین سازمان‌ها و نهادهای مسئول رسیدگی به ازدواج جوانان؛
 - ضعف سیاست‌های پیشگیرانه و ناهماهنگی بین نهادهای قانونی و اجرایی در حل مشکلات و ارائه خدمات اجتماعی؛

انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها

- کاهش نرخ بیکاری جوانان، و دشواری تامین شرایط لازم برای شروع زندگی و پاسخگویی به نیازهای ازدواج جوانان؛
- جابه‌جایی و کاهش تأثیرات جهانی شدن و فناوری‌های جدید در برابر افزایش سرمایه‌های اجتماعی و همسایگی، فامیلی و افزایش نقش خانواده و خویشاوندی در فرایندهای همسرگزینی و ازدواج.

منابع

- اسدی، علی و همکاران. (۱۳۵۳). «پیمایش ملی بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی – فرهنگی در ایران». تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران). (۱۳۹۲). «سنجش نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و تشکیل خانواده». تهران: موج اول
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران). (۱۳۹۴). «سنجش نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و تشکیل خانواده». موج دوم.
- آقاسی محمد، فلاح و مین باشی، فاطمه. (۱۳۹۴). «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده». پژوهش‌نامه زنان. دوره ۶، شماره ۱.
- بارکر، فیلیپ. (۱۳۷۵). «خانواده درمانی پایه». محسن دهقانی و زهره دهقانی. تهران: انتشارات رشد.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۳). «تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون». محمد جعفر پوینده. تهران: نشر ماهی
- ترابی، فاطمه؛ ترابی، عباس؛ عسکری ندوشن، عباس و مندگاری، علی. (۱۳۹۶). «تحولات ازدواج و خانواده در ایران».
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). «چهارچوب مفهومی طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان». دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران». زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۹، شماره ۱، صص ۷-۳۴.
- حسینی، سید حسن و ایزدی، زینب. (۱۳۹۵). «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد (جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران)». مجله مطالعات زنان. سال ۱۴ شماره ۱.
- رینتز، مک‌کارتی، جین و ادواردز، روزالیند. (۱۳۹۰). «مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده». محمد مهدی لیبی. تهران: نشر علم
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). «نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر». محسن ثلاثی. تهران: نشر نی
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۹). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده». تهران: انتشارات سروش
- عباسی شوازی، محمد جلال. (). «گزارش پژوهشی: وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران». مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، صص ۵۰-۷۰.
- علی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر فضاهای همسرگزینی بر اقدام نسبت به طلاق نزد زوجین (مطالعه موردی: ساری)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۶). «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران». ، کارفرما: شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۹). «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران». کارفرما: شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد و حاجیلو، زینب. (۱۳۹۹). «تجرد زیستی جوانان: پانتومیم دختران مجرد در ایستار ازدواج». فصلنامه علوم اجتماعی (علمی) دانشگاه علامه طباطبائی. سال ۲۶، شماره ۸۸، صص ۱۷۹-۲۲۰.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۸۴). «تاخیر سنی ازدواج در بین جوانان». روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۵.
- فیضی، ایرج و ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۹). «پیمایش ملی خانواده». سازمان مجری: جهاد دانشگاهی، واحد استان البرز.
- قانع عزآبادی و همکاران. (۱۳۹۳). «تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ‌نگ نانی از تجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد)». بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۴، شماره ۲.

- قانع‌ی راد، محمد امین و خسرو خاور، فرهاد. (۱۳۸۵) نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۴، شماره ۴-برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن». پژوهش زنان. دوره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۴
- گود، ویلیام جی. (۱۳۸۵). خانواده و جامعه. ویدا ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- لیبی، محمدمهدی. (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم: از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی. تهران: نشر علم
- مارچ، جیمز. (۱۳۹۶). درآمدی بر علم تصمیم‌گیری (تصمیم‌گیری چگونه رخ می‌دهد). ابراهیم افشار. تهران: نشر نی
- Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). **Delaying Marriage: The Trends and the Consequences**
- Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). **"The Ability to Negotiate or the Ability to Love: Evaluating the Developmental Domains of Marital Competence"**. Journal of Family Issues, 27, 1001-1032.
- Willoughby, B. J. (2010). **"Marital attitude trajectories across adolescence"**. Journal of Youth and Adolescence, 39, 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2012a). **"Associations between sexual behavior, sexual attitudes and marital horizons during emerging adulthood"**. Journal of Adult Development, 19, 100-110.
- Willoughby, B. J. (2012b). **Using marital attitudes in late adolescence to predict later union transitions.**
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2012). **"Correlates of attitudes toward cohabitation: Looking at the associations with demographics, relational attitudes and dating behavior"**. Journal of Family.
- Willoughby, B. J., & Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). **"Marital Paradigms: A Conceptual Framework for Marital Attitudes, Values, and Beliefs"**. Journal of Family Issues 2015, 36(2) 188-211.